

## بررسی جای نامهای مرتبط با خلیج فارس در دوره ایلام

علی اعراب<sup>۱</sup>

### چکیده

تاکنون پیرامون جای نامهای ایلامی، پژوهشهای مختلفی صورت گرفته است. یکی از مهمترین مناطق مرتبط با حکومت ایلام بخصوص در دوره‌های ایلام قدیم و میانه، خلیج فارس است که طبق کتیبه‌های میانرودانی این خلیج بنام دریای پایین شناخته شده است. جای نامهای ایلامی بسیاری طبق اسناد بجای مانده در ارتباط با خلیج فارس (دریای پایین) بوده‌اند که تاکنون کمتر به این جای نامها و نقش آنها در تجارت دریایی توجه شده است. لازم بذکر است با بررسی مَهرهای ایلامی بخصوص در ادوار ایلام قدیم و میانه و جای نامهای یاد شده در کتیبه‌های میانرودانی، میتوان اقلیم پیرامون خلیج فارس را یکی از مهمترین اقلیمهای استقراری دوره ایلام در نظر گرفت. از جمله مهمترین جای نامهای ایلامی مرتبط با خلیج فارس میتوان به بشیمه، دیلمون، مگن، ملوها و لیان اشاره کرد. از سویی دیگر با مطالعه جایگاه خدایان ایلامی میتوان دریافت الهه کیریریش در حوزه خلیج فارس جایگاه ویژه‌یی داشته و با توجه به اهمیت زن در جوامع ایلامی بنظر میرسد این جایگاه در جای نامهای خلیج فارس اهمیت بیشتری داشته است.

### کلیدواژگان

خلیج فارس؛ جای نام‌شناسی؛ ایلام قدیم؛ ایلام میانه؛ تجارت دریایی؛ دریای پایین

### مقدمه

در نوشتار حاضر سعی شده تا با مطالعه جای نامهای ایلامی خلیج فارس جایگاه این خلیج در دوره ایلام مشخص شده و نقش خلیج فارس در ارتباط بین سرزمینهای مجاورش تعیین گردد. برای رسیدن به این اهداف، بر آثاری که از حفريات باستان‌شناسی مناطق مرتبط بدست آمده و همچنین کتیبه‌های میانرودانی که از جای نامهای ایلامی سخن بمیان آورده‌اند، تأکید ویژه‌یی شده است. حال باید دید جای نامهای ایلامی مرتبط با خلیج فارس بر اساس کتیبه‌های میانرودانی کدام جای نامها بوده و هریک چه ویژگیهایی داشته‌اند؟ برای درک بهتر موضوع، سعی شده تا در ابتدا در مورد میزان گسترش حکومت ایلام بحث شده و سپس بصورت بسیار مختصر به معرفی دوره ایلام پرداخته شود.

«ایلام» ساختی تصنعی است؛ نامی که کاتبان بین‌النهرینی که از آبرفت به فلات ایران مینگریستند، آن را ساختند و این نام را درباره مناطق متفاوت جنوب‌غربی ایران و مردمان آن بکار بردند. در مناطق سومری از نیمه هزاره سوم قبل از میلاد نام ایلام با سومر نگار «NIM» بمعنی ساده بلند نوشته شده که اغلب با معرف «KI» به نشانه (سرزمین، مملکت) همراه بوده است (پاتس، ۱۳۸۸: ۱۵-۱۶). ایلامیها سرزمین خود را به خط میخی سرزمین «هل-تم - آتی»<sup>۲</sup> یا «هاتمتی» میخواندند که احتمالاً «آلتمتی» تلفظ میشده

ایران وجود دارند و هرگز سیاه پوست نبوده‌اند. از طرف دیگر، افراد قهوه‌یی پوست (سبزه) ممکن است نمایانگر ایلامیان کوه‌نشین مانند بختیارها که اکثریت سیاه و قهوه‌یی (سبزه) پوست هستند، باشند. آنها نژادی خشن هستند که به زندگی در کوهها عادت دارند (هینتس، ۱۳۸۳: ۲۶-۲۷). در عصر ایلام میانه، سیاست ایلامی بر فراتر از آنچه اکنون جنوب غربی ایران نامیده میشود تسلط یافت. بزرگترین و مهمترین شهرهای آنها عبارت بودند از: شوش، هفت‌تپه و چغازنبیل در خوزستان و در عین حال هزاران محوطه باستانی دیگر که هنوز کاوش نشده‌اند. از جمله این محوطه‌ها میتوان به محوطه‌های شناسایی شده در حوزه رود کر، تل ملیان، محوطه‌های واقع شده در دره بین بهبهان و شیراز، تل اسپید، تل نور آباد و کورانگون، تل افغان نزدیک لردگان واقع در کوههای بختیاری و تل پی‌تل (لیان باستان) در ساحل خلیج فارس نزدیک بوشهر امروزی اشاره کرد (Potts, 2006: 111).

#### پیشینه پژوهش

یکی از راهبردهای مطالعاتی در دوره ایلام، ارزیابی آگاهیهای ارائه شده در کتیبه‌های بجای مانده از این دوره در کنار داده‌های باستان‌شناختی برای جای نام‌شناسی مکانهای کهن در دوره ایلامی است. با توجه به ارتباط فراوان بین ایلام و میانرودان، منابع نوشتاری میانرودانی اطلاعات بسیار ارزشمندی در خصوص جای نامهای ایلامی در اختیار ما قرار میدهند. تاکنون، بر روی جای نامهای ایلامی مطالعاتی صورت گرفته است (Carter, 1985: 43-48; Vallat, 198: 49-54; Steinkeller, 2007: 215-232)؛ اما کمتر به خلیج فارس و نقش آن در دوره ایلام توجه شده است.

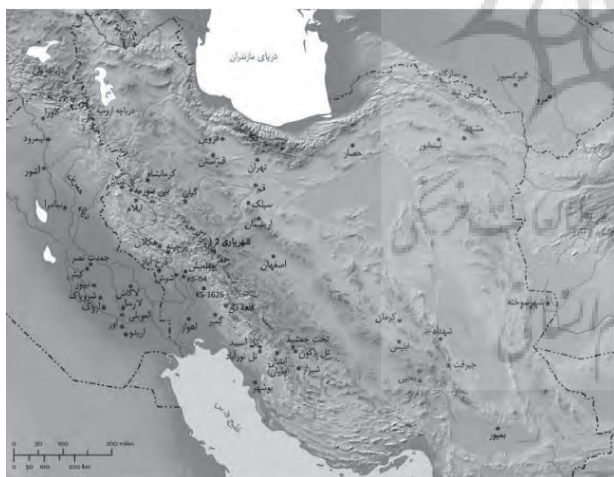
**حدود جغرافیایی حکومت ایلام و جایگاه خلیج فارس در آن**  
در مطالعات مربوط به دوره ایلام، عقیده‌یی مبنی بر دوگانگی جغرافیایی و تتبع آن دوگانگی فرهنگی و حتی قومی وجود دارد که نخستین بار وینست شایل در سال ۱۹۰۰ م این موضوع را مطرح نمود. وی این موضوع را با توجه به شواهد زبانی در اسناد ایلامی و بخصوص لقب پادشاه انشان و شوش پیش کشید (Scheil, 1900:9). بدین ترتیب در طی سالیان بعد، موضوعاتی درباره ایلامیان ساکن در دو منطقه جغرافیایی

است. این کلمه از دو قسمت «هل» بمعنی سرزمین و «تمتی» بمعنی خدایان یا مقدس تشکیل گردیده و در مجموع بمعنی «سرزمین مقدس» یا «سرزمین خدایان» است. پارسیان، ایلامیها و سرزمین آنها را بنام «اوجا» یا «هوجا» خوانده و موطن اصلی آنها را کوهستانهای مشرق شوش تصور نموده‌اند (نگهبان، ۱۳۷۲: ۴۵۲-۴۵۳). اولین شناخت در خصوص تمدن ایلام نه از طریق کاوشهای باستان‌شناسی بلکه بوسیله تورات کتاب مقدس یهودیان بدست آمده است. در لوح قدیمی عهد اقوام، در فصل آخر آفرینش از یک شاه ایلامی که نام او بصورت لائمر کدور ثبت شده ذکری رفته است. شناخت بعدی از ایلامیان پس از شروع کاوشهای باستان‌شناختی و مطالعه منابع مکتوب سومری بوده است. قدیمیترین نمونه بدست آمده مربوط به متون کتبی اروک در اوایل هزاره سوم پیش از میلاد میباشد (Potts, 1999: 3-4).

ایلام به چهار دوره فرهنگی تقسیم میشود که عبارت است از: آغاز ایلامی، ایلام قدیم، ایلام میانی، ایلام جدید (علیزاده، ۱۳۸۷: ۳۴) که مبحث مورد نظر نوشتار حاضر، دوره ایلام میانه و ایلام قدیم است. ایلام میانه نیز خود به سه دوره تقسیم میشود: کیدینویدها، ایگی هالکیها و شوتروکیها (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۳۹-۴۲). بنظر میرسد ایلام از دو قسمت تشکیل میشده است: یکی بخش کوهستانی (کوههای بختیاری) و دیگری بخشی که در دشت واقع شده بود. در مورد بومیان ایلام، نظرات مختلفی وجود دارد: عده‌یی معتقدند که بومیان اولیه این کشور، حبشی بوده‌اند؛ نژادی که در کنار سواحل خلیج فارس تا هندوستان گسترده بود و سومریها هم از همین نژاد منشعب شده‌اند. عده‌یی دیگر، ساکنان اولیه ایلام را مردمی شبه‌سیاه میدانند که با دراویدیهای هند نسبت داشته‌اند. آنها در واقع این بومیان را از نژاد مدیترانه‌یی بحساب می‌آورند. گروه دیگر، ایلامیها را از نژاد آسیایی یا آریایی میدانند که به هیچکدام از اقوام هند و اروپایی و دیگر اقوام سامی تعلق ندارند (جوزی، ۱۳۷۱: ۱۲). هینتس معتقد است ایلامیان مردمی تیره‌پوست بودند که اکنون در سواحل جنوبی

1. (Uja)  
2. (Huja)

شمال غرب خوزستان بر سر راه ارتباطی دشت شوشان با جنوب بابل و در نهایت مرز شرقی که مرهشی بوده و حدود بلوچستان را برای آن پیشنهاد میدهد (Vallat, 1993: 11-16). بدین ترتیب مناطق تحت نفوذ مستقیم حکومت ایلام در این دوره را میتوان در حدود استانهای خوزستان، فارس، بندرعباس، کرمان، بلوچستان، لرستان، کهگیلویه و بویراحمد، ایلام و بخشهایی از چهارمحال و بختیاری، اصفهان و کرمانشاه در نظر گرفت. در نقشه شماره ۱ میتوان حدود پیشنهادی برای مناطق تحت نفوذ مستقیم ایلامیان در دوره مورد بحث را مشاهده نمود. ضمن آنکه در طی مطالعه رفیعی علوی درباره سنجش میزان گسترش حکومت ایلام در ۱۹۰۰-۱۶۰۰ ق.م، که همزمان با بخشی از محدوده زمانی مورد مطالعه در این پژوهش است، حدود استانهای خوزستان، فارس، ایلام، لرستان، چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد را برای میزان گسترش حکومت ایلام در نظر گرفته است (رفیعی علوی، ۱۳۸۸) و مناطق شرقی تر همچون کرمان را از این حوزه حذف نموده است. اما آنچه مسلم است، قرارگیری خلیج فارس در انتهای مرز جنوبی حکومت ایلام بخصوص در ادوار ایلام قدیم و میانه است.



نقشه شماره ۱: حدود جغرافیایی حکومت ایلام در دوره ایلام قدیم بر اساس نظر والا (اسمعیلی جلودار، ۱۳۹۳: ۹۶)

### ملاحظات زیست محیطی

خلیج فارس میان ۲۴ درجه و ۵/۳۰ درجه عرض جغرافیایی واقع و اقلیم آن خشک و نیم حاره‌ای است و چون پیرامون آن را خشکی احاطه کرده است، وضع این دریا نیز اصولاً قاره‌ای بشمار میرود. در واقع خلیج فارس بدلیل نداشتن سپر اقیانوسی

دشت و کوهستان مطرح گردید (هینتس، ۱۳۸۳: ۶۱). اما در خصوص محدوده حکومت ایلام باید خاطر نشان کرد محدوده‌یی که زیر نظر مستقیم این حکومت در دوره‌های مختلف بوده، متفاوت است. بدین صورت که در دوره آغاز ایلامی با توجه به شواهد باستان‌شناسی میتوان حدود کل فلات ایران را برای دوره آغاز ایلامی در نظر گرفت و محوطه‌های یحیی، چغامیش، ملیان، شوش، شهرسوخته، سیلک، ازبکی، گودین و تپه سفالین پیشوا دارای شواهد محکم باستان‌شناسی مربوط به دوره آغاز ایلامی است (Alden, 1982: 613-640)؛ حصری و یوسفی زشک، ۱۳۸۸: ۲۱-۲۲) که پراکندگی این محوطه‌ها حدوداً در تمام فلات ایران است. اما باید خاطر نشان کرد که با توجه به شواهد باستان‌شناسی بدست‌آمده مربوط به دوره آغاز ایلامی، نه تنها از نظر محدوده جغرافیایی باید این دوره را از دوره ایلام قدیم مجزا دانست، بلکه از نظر فرهنگی نیز این دو دوره با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. تاکنون در خصوص محدوده حکومت ایلام در دوره‌های شیمشکی و سوکل مخ مطالعاتی انجام شده (Stopler, 1982: 42-67) که با استفاده از این موارد در کنار متنی مربوط به دوره ایسین لارسا، درباره جنگ ایشبی ارا<sup>۱</sup> (۱۹۲۱-۱۸۸۹ ق.م)، اولین پادشاه سلسله اول ایسین، با کینداتو، ششمین پادشاه نام برده شده در لیست شیمشکی، میتوان حدود گسترش حکومت ایلام در دوره مورد بحث را بازسازی نمود. بدین صورت که متن فوق در خصوص وسعت سرزمینهای فرمانروای شکست‌خورده شیمشکی (کینداتو) از بشیمه<sup>۲</sup> تا زبشلی<sup>۳</sup> و از آراوا<sup>۴</sup> / اوروا<sup>۴</sup> تا مرهشی<sup>۴</sup> صحبت میکند. استینکلر بخوبی نشان داد که مرزهای ایلام در این متن حدوداً بر اساس جهات شمالی- جنوبی و شرقی- غربی هستند که به این ترتیب بشیمه در جنوب، زبشلی در شمال، آراوا در غرب و مرهشی در شرق ایلام قرار داشته‌اند (Steinkeller, 1988: 215-232; Steinkeller, 2007: 215-232). والا نیز بر روی این متن مطالعه‌یی بمنظور مشخص نمودن حدود حکومت ایلام انجام داده که معتقد است بشیمه در مرز جنوبی ایلام و در ساحل خلیج فارس بوده (Vallat, 1985: 11-12)؛ زبشلی در مرز شمالی و در حدود بالای اصفهان جای داشته و اوروا در

1. Išbi.Eraa
2. Bashime
3. Urua
4. Marhashi

و مرطوب و ساحلی خلیج فارس در دوره ایلام بسیار اندک است. این اقلیم را در حاشیه خلیج فارس قابل مشاهده است. نشانه‌های آن در مهرها به وسیله قایق، ماهی، لاکپشت و مواردی از این دست مشخص میشود (شکل شماره ۱). با توجه به مهرها، ماهیگیری و تجارت شاید از مشاغل مهم این ناحیه از ایلام بوده است. در خصوص تجارت باید خاطر نشان کرد که مراکز چون مگن، دیلمون، فیلکه، امارات و عمان از مراکز مهم تجارت با ایلامیها بوده (Potts, 2009: 34) که ارتباط با آنها جز از طریق خلیج فارس امکانپذیر نبوده است (در ادامه درخصوص آنها بحث خواهد شد). حضور تصاویر برخی حیوانات بر روی مهرهای ایلامی چون میمونها (شکل شماره ۲) شاید دلیلی بر این امر است که تجارتی بین سواحل ایلامی و نواحی اطراف برقرار شده است. این میمونها بنظر میمون نوع عنکبوتی هستند که بصورت دسته‌جمعی و عموماً در مناطق پر درخت زندگی میکنند (رامشینی، ۱۳۹۲: ۸۸). به همین دلیل شاید بتوان گفت این میمونها در اثر تجارت ایلامیان با ناحیه ایندوس که (در ادامه به تجارت بعضی از حیوانات از دره سند به ایلام و میانرودان پرداخته میشود) برای زندگی میمونهای عنکبوتی محلی مناسب است به ایلام آورده شده‌اند و این تجارت بطور قطع از طریق خلیج فارس رخ داده است. لاکپشت لاک نرم فراتی در انشعابهای فرعی دائمی یا موقت رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و قسمتهایی با جریان آرام آب برکه‌ها، مردابها و انواع دریاچه‌های آب شیرین زندگی میکنند (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۲۶۲)؛ با توجه به اینکه وزن انواع دیگر لاکپشتهای دریایی و آبی بسیار بیشتر از آن است که اگر هر

در اطراف خود دارای تلاطم شدید فصلی و تغییر بسیار در وضع رسوبی کف دریاست (امیر ابراهیمی، ۱۳۷۷: ۷). خلیج فارس دریای کم‌عمق فرا اقلیمی است که حدود ۱۰۰۰ کیلومتر طول و ۲۰۰-۳۵۰ کیلومتر عرض دارد، که در نقاطی چون تنگه هرمز این عرض به حدود ۶۰ کیلومتر میرسد. عمق میانگین آن ۳۵ متر است (بیشترین عمق آن ۱۰۰ متر میباشد). بالاترین درصد شوری آب ۳۷٪ تا ۴۰٪ گزارش شده است. در طول آخرین دوره یخبندان وقتی که سطح دریای جهانی ۱۲۰ متر پایینتر از امروز بود، سطح خلیج فارس بستری برای ترکیب آبهای کارون، دجله و فرات بود و بعنوان یک رودخانه باریک منفرد بسوی تنگه هرمز حرکت میکرد. با شروع تجاوز فلاندرین حدود ۱۷۰۰۰ سال پیش سطح آب دریا در دره خلیج فارس شروع به بالا آمدن کرد و در ۷۰۰۰ سال پیش سطح آب دریا قابل مقایسه با سطح امروزی آن شد (Lambeck, 1996: 49). جلگه‌های خوزستان، بهبهان، برازجان و بوشهر (بخشی از سرزمینهای ایلامیان قدیم و میانه) تا اواخر دوران سوم زمین‌شناسی زیر آب دریا پوشیده بودند و در دوران چهارم سر از آب به در آوردند. بنابراین، قسمت شمال غربی خلیج فارس از قسمت جنوب شرقی آن بسیار جوانتر و پیدایش آن به دوران ما نزدیکتر است (اقتداری، ۱۳۴۵: ۶).

### اقلیم خلیج فارس در مهرهای ایلامی

بنظر میرسد جنوب خوزستان در آن اعصار دارای دریاچه‌یی بوده که به خلیج فارس می‌پیوسته است (سیاه‌پوش، ۱۳۵۲: ۱۰۲). وجود چنین شرایطی نشان میدهد که فاصله اقلیمهای گرم



شکل شماره ۱: نقش صید بر روی مهری مربوط به دوره ایلام (Walker, 1980: 75)

لاک نرم فراتی هستند که در اینصورت عقیده‌یی که انتهای خوزستان را دریاچه‌یی در نظر گرفته بود، قابل قبولتر است.

فردی بخواهد آنها را براحتی با یک دست بلند کرده و شکار نماید (شکل شماره ۳)، پس بنظر میرسد این لاک‌پشته‌ها از نوع



شکل شماره ۲: نقش میمونهای معروف به دم عنکبوتی (Roach, 2008: 34)

کتیبه متعلق به یک پرستشگاه از جزیره لیان در خلیج فارس نزدیک بوشهر (ری شهر) امروزی است و تا حدودی مطالبی را در خصوص تاریخ ایلام در اختیار ما میگذارد. در این کتیبه تنها یک هجا از قسمت پایانی نام سازنده معبد [.....هی] بجا مانده است. وی خود را خدمتگزار «لیپاک» یعنی خدایان میداند. از آنجا که نام هیچیک از پادشاهان آوان به «هی» پایان نمیپذیرد، سازنده معبد یادشده باید حاکمی کم‌اهمیت یا محلی در قرن ۲۴ یا ۲۵ ق.م و یا یک نایب‌السلطنه ایلامی و یا فرماندار شری هوم بوده باشد که میتواند همان منطقه ایلامی سرزمینهای ساحلی در کنار خلیج فارس باشد (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۶). چنین بنظر میرسد که شری هوم حدود بندر دیلم (در منتهی‌الیه شمال استان بوشهر) تا نواحی جنوبی استان بوشهر بوده است (پزار، ۱۳۸۴: ۱۰). آاناتوم (حدود ۲۴۶۰ ق.م) یکی از قدرتمندترین فرمانروایان سلسله نخست لاگاش، چند کتیبه از خود بجای گذاشته که در آنها از پیروزیهایش بر ایلام با ترتیب زمانی مفروض، سخن میگوید. آاناتوم دست‌کم به دو لشکرکشی در شرق دست زد که در اولی شاید در تلاش برای گشودن راهی زمینی به شوشان بود و در دومی به شهرهای غربی نزدیک به دماغه خلیج فارس از جمله پشیمه و اوروا حمله کرد (پاتس، ۱۳۸۸: ۱۴۴). شاید پس از این حمله بود که ارتباطات تجاری لاگاش با ایلام گسترش پیدا کرد. پاتس در کتاب خود به دو دسته از این تجارتها اشاره دارد که از طریق قایق و بندر صورت میگرفتند. با توجه به مطلب ذکر شده در مورد حمله آاناتوم، احتمالاً این تجارتها از طریق خلیج فارس



شکل شماره ۳: لاک‌پشته‌های لاک نرم فراتی، مربوط به اقلیم ساحلی (Porada, 1965, Fig 41)

### لیان و شری هوم

«لیان» یکی از جای نامهای ایلامی دارای اهمیت بخصوص در دوره‌های ایلام قدیم و میانه است. کهنترین مدرک موجود از زبان ایلامی نیز از این شهر بدست آمده که مربوط به پلی بوده که دودمان آوان را پایه‌گذاری کرده و یک کتیبه از او در لیان خلیج فارس گزارش شده است (کامرون، ۱۳۷۴: ۲۴). لیان در کنار خلیج فارس قرار داشته و همواره با واژه «ان آی ام» آمده است. بنظر میرسد لیان یک شهر وابسته به انشان بوده نه وابسته به خوزستان (شوش) و ناپیرشا و کیریپیش در این جای نام مورد پرستش قرار میگرفتند. احتمالاً راه انشان به بین‌النهرین از اینجا بوده است. سفالهای لیان شبیه به دوره کفتری فارس است. با توجه به کتیبه‌های خوانده شده مشخص میشود که لیان با بحرین تنها ۱۷۵ مایل فاصله داشته است (Whittingham and King, 1920: 85).

کهنترین کتیبه مربوط به دوره ایلام قدیم که تاکنون گزارش شده نیز از این منطقه بدست آمده است؛ ما تنها نام صاحب این کتیبه - پلی - را میدانیم که چندان هم دقیق نیست و از شش تن جانشین او هیچ چیز نمیدانیم. با این حال این

ایلام و آنتشان، مناطق ساحلی خلیج فارس و باختر (شمال افغانستان/جنوب ازبکستان) است. بعلاوه در قطعه‌یی از کتیبه اادی که پزار به سال ۱۹۱۳ م. در بوشهر خلیج فارس کشف کرد، از شیموت ورتش نام برده شده است. اگر این قابل انتساب به جانشین شیروکدوه باشد، نشان میدهد که سلطه سوکل مخها در امتداد ساحل خلیج فارس بسیار تحکیم شده بود و پیوند با دیلمون از راه فارس به آسانی تا خلیج فارس و کرانه رود کرخه پیش رفته بود (پاتس، ۱۳۸۸: ۲۸۳).

هومبان نومن پسر اترکیتته ظاهراً پادشاهی بسیار توانا از سلسله ایک هلکی بود. وی بعنوان پادشاه آنتشان و شوش و امیر ایلام نخستین کسی بود که دعوی لقب گسترنده امپراتوری کرد (کامرون، ۱۳۷۴: ۷۷). او برای الهه‌های بزرگ، معبدی در لیان بنا کرده بود و در کتیبه مربوط به آن نه تنها از هومبان و کیریرش یاد میکند بلکه از خدایان بخشنده لیان هم نام میبرد (هینتس، ۱۳۸۳: ۱۳۳). متن این کتیبه به اینصورت است که هومبان نومن یک عبادتگاه بلند (کوکونوم) برای خدایان نیپیرشا، کیریریش و باهاوتپ، خدای نگهدار زمین بنا کرد و هدفش از ساخت این معبد، دریافت سلامتی از این خدایان برای خودش، همسرش میشیمروه و زندگی ریشاپ لا بوده است و او امیدوار بود در ازای احداث این بنا، سه خدای مذکور به او سلطنتی پویا و با نشاط تقدیم کنند. زبان این کتیبه ایلامی است (Potts, 2010: 487). بندری بنام میشیمه که احتمالاً در مسیر بین استانهای بوشهر و خوزستان واقع شده است (حضاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۵)، نامی جالب توجه و هم‌ریشه با همسر هومبان نومن یعنی میشیمروه دارد. این امر میتواند دلیلی بر آن باشد که خلیج فارس نزد ایلامیان قدیم و میانی مانند مادری بخشنده بوده است. به همین دلیل شاید زنان حاشیه این خلیج نزد ایلامیان جایگاه ویژه‌یی داشته‌اند. هرچند جامعه ایلامی ذاتاً جامعه‌یی با احترام نسبت به زنان بوده است (قاسمی، ۱۳۸۵: ۱۳)، اما احتمالاً زنان حاشیه خلیج فارس نیز از سوی دیگر از احترام ویژه‌یی برخوردار بوده‌اند. بعنوان مثالی دیگر از کتیبه‌های هومبان نومن میتوان به یک کتیبه از او در شوش که چنین آغاز شده، اشاره کرد: «ای خداوندگار بزرگ، کیریریش و حامیان (آسمانی) زمین، (خدایان) لیان، من هومبان نومن» (پاتس، ۱۳۸۸: ۳۲۶).

صورت می‌گرفت که یک دسته از این اقلام الوار چوبی بود که بوسیله قایق حمل میشد و دسته دیگر، غلات، آرد، پیه خوک و برده بود که به بندر گواب در لاگاش برده میشد (همان: ۱۴۷). منیشتوسو، پسر بزرگ سارگون، نخستین فرمانروای اکد قدیم بود که به قلب استان فارس رخنه کرد. از کتیبه منیشتوسو درمی‌یابیم که او پیش از گذشتن از خلیج فارس و ادامه راهش، بر آنتشان و شری‌هوم چیره شده بود (همان: ۱۶۸). کتیبه منیشتوسو این چنین است: «من با هدایا و پیشکشها آنتشان و شری‌هوم را بسوی خدایم، خدای خورشید (شمس) رهبری کردم» (پزار، ۱۳۸۴: ۲۲). یک شاخه از سپاه او از طریق زمین و از راه شوش بسوی خلیج فارس پیشروی کرد و شاخه دیگر، تحت فرمان خود او با کشتی، خلیج فارس را در نوردید (هینتس، ۱۳۸۳: ۷۸). این سپاهیان پیکارگران ۳۲ شهر در خاک ایلام را شکست دادند و سراسر ناحیه تا کانیه‌های فلزات گرانبها غارت و ویران گردید و راه برای حمل دیوریت و کانیه‌های گرانبها از ساحل ایرانی خلیج فارس به بابل باز شد (کامرون، ۱۳۷۴: ۲۸). از دلایل مهم حمله منیشتوسو بدست آوردن دیوریت در زاگرس جنوبی بود که در معماری آن روز بسیار ارزش داشت (پزار، ۱۳۸۴: ۲۴). اگر شری‌هوم در امتداد ساحل فارس واقع شده باشد، باید مسیری را برای پیشروی شبیه به مسیری که شیراز امروزی را به بوشهر در خلیج فارس می‌پیوندد، در نظر گرفت. میدانیم که در زمان فرمانروایی منیشتوسو او حاکمی (انسی) بنام ایلشوری در منطقه ساحلی میشیمه (احتمالاً همان بشیمه) در ایران و همچنین حاکمی (انسی) در ایلام به نام آشپوم داشته است (پاتس، ۱۳۸۸: ۱۶۹). نکته جالب توجه در خصوص کتیبه منیشتوسو که به زبان بابلی قدیم است، نام بردن از خلیج فارس با عنوان دریای سفلی میباشد (همان: ۱۶۸). بدست آوردن اطلاعاتی از شوش و شوشان در زمان استقرار اکدیه‌ها در دوره اوان ایلام در آنجا کار دشواری است. در واقع، مجموعه متنوعی از مواد مکشوف از شوش وجود دارد که بیشترشان لایه‌نگاری نشده‌اند. در کل این اشیاء ارتباط با دره سند، شبه جزیره عمان و منطقه خلیج فارس را مینمایانند (همان: ۱۸۹).

از دوره سوکل مخها مجموعه فزاینده‌یی از مدارک مکتوب و باستان‌شناسی بدست می‌آید که بازتاب پیوند بین شوش،

بود. در لیان یکی از آجرهای کتیبه‌دار وی بدست آمده است که در این کتیبه او ادعای بازسازی معبد کهنه‌یی را میکند که به الهه کیریریش اهدا شده بود (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۲۳). متن کتیبه او به اینصورت است: معبدی را برای خدای کیریریش لیان بازسازی میکند. این معبد را هومبان نومن بنا نهاده بود، اما در زمان شوتروک ناهونته تخریباتی در آن رخ میدهد که او این بنا را تعمیر میکند و آن را بعنوان هدیه‌یی برای خدای کیریریش معرفی مینماید (Potts, 2010: 499). نکته جالب در این است که عصر شوتروکیها بعنوان اوج ترقی لیان در خلیج فارس مطرح است (بزار، ۱۳۸۴: ۲۹). در جای دیگر، تزئین معبد کیریریش لیان با آجر لعاب‌دار هم از فعالیت‌های او در کرانه خلیج فارس بشمار می‌آید (پاتس، ۱۳۸۸: ۳۶۷). بعد از شوتروک ناهونته نوبت به پادشاهی کوتاه کوتیرناهونته میرسد که توانست معبد الهه کیریریش را که هومبان نومن در لیان بر پا ساخته بود، بازسازی کند (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۲۵) و آن را برای سلامتی خود همسرش ناهونته اوتو و فرزندش وقف نماید (کامرون، ۱۳۷۴: ۸۴). شیلهاک اینشوشینک نیز بر خلیج فارس حکومت کرد. او همان معبد کیریریش و یک پرستشگاه مشترک هوبان و کیریریش در لیان را بازسازی کرد (همان: ۹۲). از دوره هوتو لوتوش اینشوشیناک هیچ کتیبه‌یی در لیان خلیج فارس بدست نیامده است (همان: ۹۹) این امر نشان میدهد که در عصر او لیان دیگر در اختیار پادشاه ایلام نبوده است (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۲۷).

### دیلمون

نام دیلمون بارها از دوره اروک جدید به بعد در متون مشاهده شده است. محل آن در جنوب خلیج فارس، یعنی بحرین، پیشنهاد میگردد (حصاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۷). دیلمون بعنوان آذوقه‌رسان به جنوب بین‌النهرین در هزاره‌های دوم و سوم قبل از میلاد مطرح است؛ چوب و مس را بعنوان آذوقه به جنوب بین‌النهرین ارسال میکرد. درخصوص ارسال هردوی این محصولات، منابعی از شرق بدست آمده است (Huraeka, 1983: 83). دیلمون یکی از مراکزی بوده که بوسیله تجارت مس با شوش ارتباط داشته است. از طرف دیگر، یافتن سفال شاخص دیلمون (فرم قرمز شیاردار خمره‌های ذخیره‌سازی) در لیان نشان از حضور لیان بعنوان پل ارتباطی

باهوتوپ یا خدای نگهدار زمین، نامی نیست که همواره در کتیبه‌های هومبان نومن ذکر شود، بلکه در بیشتر کتیبه‌های این شاه ایلام میانه از کیریریش و ناپیرشا نام برده میشود. در کتیبه‌یی هم به خط آکدی که از تل پیتل (لیان باستان) بدست آمده، تنها از دو خدای کیریریش و ناپیرشا نام میبرد (Potts, 2010: 488). تفسیر علت ساخت معبدی برای کیریریش لیان در خلیج فارس بوسیله او روشن نیست (پاتس، ۱۳۸۸: ۳۲۹). در کل با توجه به شواهدی که هم در دوره ایلام قدیم مشاهده کردیم و هم در دوره ایلام میانه و باز هم در ادامه با آن روبرو خواهیم شد، چنین بنظر میرسد که الهه کیریریش، الهه حامی لیان بوده است. با توجه به اینکه بیشتر باستان‌شناسان معتقدند که الهه کیریریش الهه‌یی بوده که در جنوب ایلام پرستش میشده و در مقابل این الهه، الهه پین ای کیر در شمال ایلام بوده و پارتی، مادر خدایان ناحیه آپایر بوده است (صراف، ۱۳۸۷: ۹۶)، این سؤال پیش می‌آید که آیا حضور کیریریش در جنوب ایلام ربطی به نزدیکی این نواحی به سواحل خلیج فارس دارد یا خیر؟ باید توجه داشت که کیریریش، الهه بزرگ مادر ایلامیها بوده است (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۵۰) که از دو واژه «کیر» بمعنی الهه و «ریشا» بمعنی بزرگ تشکیل شده است (صراف، ۱۳۸۷: ۹۶). بنابراین، این احتمال وجود دارد که با توجه به اینکه خلیج فارس همواره نسبت به ایلامیها همچون مادری بخشنده بوده، پس قرارگیری معبد کیریریش الهه بخشنده مادر، در کنار آن به تأکید خاص ایلامیان بر خلیج فارس اشاره دارد و امری تصادفی نبوده است. جالب اینجاست که الهه مادر بین‌النهرینی‌ها ایشتار میباشد (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۵۰) و با دریا و خلیج هیچ ارتباطی ندارد، اما کیریریش ایلامیها همواره در کنار خلیج فارس معنی یافته است که این خود میتواند دلیلی بر توجه بیشتر ایرانیان نسبت به اعراب در گذشته بر خلیج فارس بوده باشد. یکی از بزرگترین پادشاهان عصر ایلام میانه، اونتوش نپیریش بوده که از ویک کتیبه به زبان ایلامی در تپه دیلم یافت شده و در آن به ساخت معبدی برای خدای اینشوشیناک، مشتی و تپتی اشاره شده است و وی امیدوار بوده که ساخت این معبد برای این خدایان پویایی و شادمانی را برای سلطنت او به ارمغان آورد (Potts, 2010: 491). اما پادشاه بعدی ایلام که باز هم بنوعی با خلیج فارس ارتباط دارد، شوتروک ناهونته بوده است. امپراتوری او در جنوب تا کرانه‌های خلیج فارس گسترده

### مگن

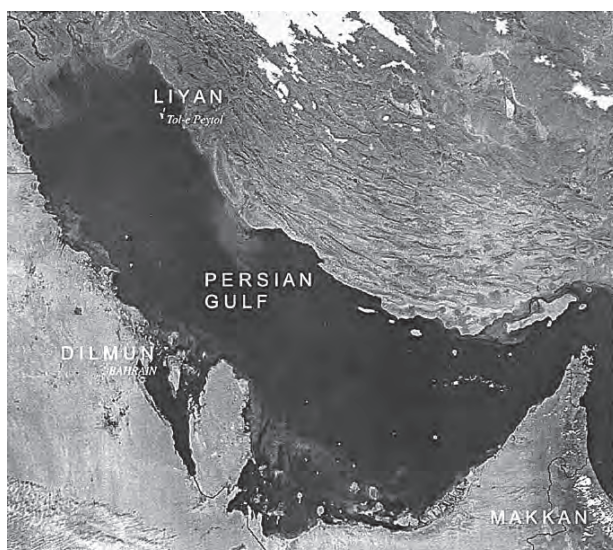
لیمنز و کرول معتقدند که مقدار زیادی از حبوبات تولیدشده توسط کشاورزان آشوری در جنوب بین‌النهرین بهای پرداخت جهت دریافت کالاهای کشورهای بیگانه مثل مس مگن بوده است (Kroll and Leemans, 1984: 25). در کتیبه بدست آمده متعلق به سال دوم ایبی سین نشان میدهد که بین‌النهرینی‌ها مقدار ۶ کور (۱۵۱۵/۶ لیتر) روغن کنجد را در ازای خرید مس از مگن به این سرزمین داده‌اند (Potts, 1993: 425). پس تا اینجادر می‌بایم مگن باید سرزمینی باشد که مس فراوان داشته است. همچنین در کتیبه‌یی مربوط به نارام سین آمده که وی پس از فتح مگن، پادشاه این سرزمین را شکست داده و سنگهای مناسب برای مجسمه‌سازی در این منطقه را بدست آورده است (Barton, 1929: 108). برخی از محققین مگن را استان هرمزگان امروزی و تنگه هرمز میدانند (حصاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۷). در عین حال برخی دیگر، این سرزمین را عمان معرفی کرده‌اند. در خصوص محل مگن با توجه به کاوشهای انجام شده در محوطه‌های عمان نظیر جبل حفیت و مایسر و چند محوطه دیگر همزمان با ایلام قدیم و ایلام میانه این نظر را داده‌اند که مگن باستانی همان عمان است. اما متأسفانه هنوز در هرمزگان و تنگه هرمز کاوشهای دقیق باستان‌شناسی جهت شناسایی آثار همزمان با ایلام قدیم و میانه انجام نشده است. باید توجه داشت که آثار بدست آمده از عمان، شباهت بسیار زیادی به آثار شرق ایران دارند (Potts, 1993: 423-426). پس این احتمال وجود دارد که بتوان عمان را زیرمجموعه فرهنگی شرق و جنوب شرق ایران بحساب آورد. ظروف ساخته شده از سنگ نرم بطور قطع در هزاره دوم قبل از میلاد در مگن ساخته شده و به جنوب غرب ایران راه یافته است (پاتس، ۱۳۸۸: ۲۸۴). این تجارتهای دریایی مس و ظروف ساخته شده از سنگ نرم میان مگن و ایلام و بین‌النهرین از طریق خلیج فارس در آن زمان رخ داده است.

### بشیمه

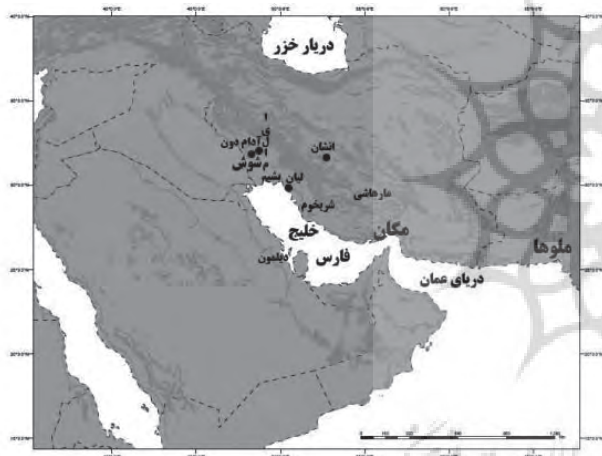
تا پیش از انجام کاوشهای باستان‌شناسی در تل ابوشیجا در غرب دهلران در خاک امروزی عراق، بیشتر پژوهشگران میپنداشتند جای نامهای بشیمه، پشیمه و میشیمه همه یک جای نام هستند که دارای تلفظهای متفاوت میباشند

بین‌انشان و خلیج فارس دارد (Potts, 2009: 34). ای/انزگ/ک خدای اصلی دیلمون، نامی که بر بحرین و سرزمین اصلی مجاور نهاده شده است و امروزه در شرق عربستان سعودی است، در معبدی در شوش و معبر سنگفرشی از اوایل هزاره دوم قبل از میلاد که وقف آ، اینشوشینک و انزگ شده بود، مقدس داشته میشد (پاتس، ۱۳۸۸: ۲۸۱). از شوش، تعدادی مهر و اثر آن بدست آمده که بیانگر ارتباط شوش و دیلمون است (همانجا). این ارتباطات جز از طریق خلیج فارس با دیلمون (بحرین) امکانپذیر نبوده است. اما بغیر از این موارد، از شیموت ورتش جانشین شیروکدوه که در سال ۱۷۷۰ ق.م به مقام پادشاهی ایلام رسید، یک مهر استوانه‌یی از معبد الهه کیریریش در لیان خلیج فارس برجای مانده است (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۱۶). دیلمون را حتی اگر بحرین امروزی بدانیم، باید توجه داشته باشیم که در دوره‌هایی زیر نظر کاسیها اداره میشده است. این موضوع را میتوان از دو متن در موزه استانبول دریافت که فرماندار نیپور نامه‌هایی به برادر خود که فرماندار کاسی دیلمون بوده فرستاده است (Potts, 2005: 115). اهمیت این موضوع از آنجهت است که بسیاری از محققین، کاسیها را برخاسته از فلات ایران میدانند؛ بطور مثال، ایرانشناس آلمانی، ایلس، لرستان را مرکز قوم کاسی دانسته و به یکی از شاخه‌های رود سیمره به نام کشگان رود اشاره کرده و این رود را با رودخانه کاسی مقایسه نموده است (Eilers, 1982: 37). زادوک نیز با بررسی نامها در آشور نو معتقد است که کاسیها در زاگرس و آنجایی که بعدها «ماد بزرگ» نامیده شده زندگی میکردند (Zadok, 2002: 112). نکته جالب توجه، شهرستان کاشان و شباهت نام آن به کاسیهاست. اکنون نیز به اهالی کاشان، کاشی میگویند که لغتی بسیار نزدیک به کاسی است. در دوره‌هایی از تمدن اسلامی، کاشان را قاسان نیز خوانده‌اند (ضرابی، ۱۳۳۴: ۱۰۵). این امر نشان میدهد که تبدیل کلمه «ش» به کلمه «س» امری معمول بوده است. از طرف دیگر، برخی از باستان‌شناسان قبرستان B سیلک کاشان را متعلق به دوره ماد دانسته‌اند (فیروزمندی، ۱۳۸۹: ۲۷) که این موضوع با نظر زادوک در خصوص منشأ کاسیها نیز قابل مقایسه میباشد. پس شاید بتوان گفت که مردمان ساکن در دیلمون همزمان با ایلامیان قدیم و میانه خاستگاهی ایرانی داشته‌اند و این مردمان با رفتن به دیلمون از طریق خلیج فارس با ایلامیان و بین‌النهرینی‌ها مبادلاتی را انجام داده‌اند.





نقشه شماره ۲: محل قرارگیری لیان، دیلمون و مگن طبق نظر پاتس (Potts, 2006: 112)



نقشه شماره ۳: محل قرارگیری لیان، دیلمون و مگن طبق نظر حصاری (حصاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۴)

### فیلکه

در اواخر هزاره سوم و اوایل هزاره دوم قبل از میلاد در قسمت غربی خلیج فارس، محوطه بزرگ فیلکه بخوبی نمایانگر آن روزگار است (Potts, 2005: 2). در ۲۰۰۰ تا ۱۳۰۰ ق.م در فیلکه شاهد تغییراتی در مجموع سفالها هستیم، اما مشخص نیست این تغییرات بخاطر نوعی انفصال بزرگ در صنعت است یا جزء توالی فرهنگی آنجا میباشد (Potts, 2009: 35). یافتن مقداری مهر از نوع دیلمون در فیلکه نشان از تجارت دریایی بین این دو منطقه بوسیله خلیج فارس در دوره مورد بحث دارد (EL-Sendy, 1994: 55).

(Petrie et.al, 2005). اما پس از کاوشهای تل ابوشیجا، مکان جای نام پشیمه مشخص گردید (Mohammad Hussein et.al, 2007). بدین ترتیب آنچه مشخص است، تفاوت بین جای نامهای پشیمه و بشیمه میباشد. پژوهشگران با توجه به کتیبه‌های میانرودانی معتقدند بشیمه باید جایی در ساحل خلیج فارس و در کمربندی بین خوزستان تا بوشهر واقع شده باشد (Steinkeller, 1982: 240). ضمن آنکه مطالعات انجام شده توسط ارفعی بر روی جای نامهای الواح تخت جمشید، میبایست در حدود شهرستان امروزی باشت استان کهگیلویه و بویراحمد در راه خلیج فارس جایابی شود (Arfaee, 2008). اگر این جای نام همان بشیمه ایلامی باشد که حیات خود را تا دوره هخامنشی حفظ نموده بدین ترتیب قرارگیری آن در مسیر خلیج فارس و در حدود آن جالب توجه خواهد بود.

### ملوها

از این جای نام در منابع سومری و اکدی سخن بمیان آمده است (Hansman, 1979: 559). در کتیبه‌یی مربوط به گودآ آمده: «چوب و طلا از کوه‌های ملوها به لاگاش ارسال شد» (Barton, 1929: 190). در متنی دیگر مربوط به سلسله سوم اور مس و نوعی خاص از چوب را کالاهایی وارداتی از ملوها میدانند (Hansman, 1973: 556). در متنی مربوط به دوره بابل قدیم نیز به گربه و فیل در ملوها اشاره شده است (Lambert, 1960: 272). از دیگر اشارات به این منطقه در کتیبه‌های میانرودانی میتوان به کتیبه‌یی مربوط به سلسله سوم اور اشاره داشت که در آن به مس، چوب و پرندگان با نوکهای رنگارنگ در این منطقه اشاره میکند (Hansman, 1973: 556). با توجه به این موارد، در ابتدا لیمنز این جای نام را در شرق خلیج فارس جایابی کرده بود (Leemans, 1960: 159). همچنین برخی از پژوهشگران با توجه به کتیبه‌های سومری، جای نام ملوها را استقراری مرتبط با تجارت دریایی از دره سند میدانند (Parpola et al. 1977). هانسمن نیز در حدود بلوچستان پاکستان را بعنوان منطقه ملوها در نظر میگیرد (Hansman, 1973). آنچه در خصوص این جای نام در پژوهش حاضر دارای اهمیت است، تجارت ملوها با میانرودان از طریق خلیج فارس میباشد.

### نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه مشخص گردید، خلیج فارس در مرز جنوبی حکومت ایلام بخصوص در ادوار ایلام قدیم و میانه بعنوان دریای پایین (سفلی) مطرح است. جای نامهایی همچون لیان، بشیمه، دیلمون، مگن، میشیمروه و ملوها از جای نامهای مرتبط با خلیج فارس در دوره ایلام هستند. ضمن آنکه شواهدی مرتبط با دوره ایلام در کشورهای امروزی امارات و کویت نیز شناسایی گردید که همگی خبر از نقش با اهمیت خلیج فارس در تجارت دریایی دوره ایلام میدهند. ضمن آنکه مهرهای ایلامی یافت شده مربوط به ادوار ایلامی نیز بر اهمیت خلیج فارس در معیشت مردم منطقه و تجارت ایلامیان با مناطق پیرامون تأکید دارند. لیان مهمترین مرکز ایلامیان در خلیج فارس بوده که تاکنون کاوش شده است. این شهر، مرکز پرستش یکی از بزرگترین خدایان ایلام، یعنی بانو کیریریش بوده است. پرستش این ایزد بانو در لیان امری اتفاقی نبوده، بلکه احتمالاً با نزدیکی این شهر به خلیج فارس رابطه‌ی مستقیم داشته است؛ چراکه خلیج فارس همچون مادری بخشنده نزد ایلامیان بوده و از طرف دیگر چنین بنظر میرسد که در بین ایلامیان زنان بنادر و شهرهای اطراف خلیج فارس نیز جایگاه والایی داشته‌اند. کتیبه‌های بدست آمده از لیان، بیشتر در خصوص معبد الهه مادر ایلامیان، بانو کیریریش هستند. بطور قطع یافتن این معبد میتواند بسیاری از مسائل مربوط به لیان و خلیج فارس در دوره ایلام را روشن سازد. بنظر میرسد ایلامیان در بیشتر دوره‌های مورد بحث، مرز مشترک بسیار بیشتر از سایر همسایه‌های خود با خلیج فارس داشته‌اند که این موضوع، اهمیت مطالعه خلیج فارس را در این دو دوره نشان میدهد. با توجه به تاریخ بسیار گسترده ایلام قدیم تا پایان ایلام میانه و با توجه به قدمت ایلامیان، بنظر میرسد هیچ حکومتی به اندازه ایلامیان بر خلیج فارس حکومت نکرده است. کشورهای حاشیه خلیج فارس در سالهای اخیر، کاوشهای علمی بسیاری در هزاره‌های سوم و دوم قبل از میلاد (همزمان با ایلام قدیم و میانی در ایران) محوطه‌های خود انجام داده‌اند، ولی متأسفانه ما هنوز در خصوص این ادوار در کشورمان فعالیتهای وسیعی انجام نداده‌ایم. این احتمال وجود دارد که سرزمینهای حاشیه خلیج فارس در دوره‌های ایلام قدیم و میانی بسیار تحت تأثیر ایلامیان بوده‌اند؛ چه بسا

### امارات و عمان

تل ابرق در ساحل امارات، شواهد روشنی از سفال، مهر، ظروف سنگی و شیوه تدفین برای تمایز بین دیلمون و مگن دارد (Potts, 2005:2). حضور سفال اوخر هاراپا در تل ابرق که بطور قطع منشأ آن در گجرات است، تجارت دریایی بین دیلمون و هاراپای پایانی را نشان میدهد (Potts, 2009: 34). در این تجارت دریایی بطور قطع خلیج فارس نقش مهمی را بازی میکرده است. در تل ابرق شاهد یک توالی عمومی یکجانشینی از اواسط هزاره سوم تا اواسط هزاره اول هستیم (Potts, 1993: 428). از محوطه‌های مهم عمان در دوره مورد بررسی، وادی سوق میباشد که طبق نظر کلوزیو، حفار آن متعلق به سالهای ۲۰۰۰ تا ۱۶۰۰ ق.م است. وی معتقد است این محوطه آخرین استقرار دائم پیش از مهاجرت از شرق عربستان و کوچ‌نشینی همیشگی در این منطقه میباشد (Cleuziou, 1981: 292). در اواخر عصر مفرغ در وادی سوق، ظروف کوچکی یافت شده که دارای دو یا سه حلقه تزئینی هستند. این حلقه‌ها بنظر تقلیدی از ظروف کاسیها در بحرین (دیلمون) و فیلکه هستند (Velde, 2003: 105). این امر نشان از ارتباط بین دیلمون، فیلکه و وادی سوق دارد که با توجه به نقشه شماره ۴ کاملاً مشخص است این ارتباط جز از طریق خلیج فارس امکانپذیر نبوده است.



نقشه شماره ۴: مقایسه محل قرارگیری فیلکه، دیلمون و وادی سوق (Persiangulfstudies.com)

- فیروزمندی شیره جینی، بهمن؛ سرفرازعلی اکبر؛ *باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی، تهران: نشر مارلیک، ۱۳۸۹.*

- کامرون، جورج گلن؛ *ایران در سپیده دم تاریخ، ترجمه حسن انوشه، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.*

- مجیدزاده، یوسف؛ *تاریخ و تمدن ایلام، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰.*

- نگهبان، عزت‌الله؛ *حفاری هفت تپه، دشت خوزستان، تهران: نشر سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۲.*

- هینتس، والتر؛ *دنیای گمشده عیلام: بازسازی یک تمدن گمشده، ترجمه فیروز فیروزنیا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.*

#### مقاله

- اسمعیلی جلودار، محمد اسماعیل؛ ذوالقدر، سعید؛ «تحلیل داده‌های کاوش در محوطه کوچ‌نشین شهریاری ۲ از دوره هخامنشی در منطقه بیرگان کوه‌رنگ بختیاری»، *مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ششم، ۱۳۹۳.*

- حصاری، مرتضی؛ علی یاری احمد؛ *ایروانی قدیم فرشید؛ «کنکاشی بر نقش و موقعیت ایالت‌های آغاز ایلامی و ایلامی بر تجارت آبی خلیج فارس»، همایش ملی خلیج فارس، شماره هشتم، ۱۳۹۰.*

- حصاری، مرتضی؛ یوسفی زشک، روح‌الله؛ «پیدایش نهادهای پیش‌حکومتی در فلات مرکزی ایران، خان‌سالارخای آغاز ایلامی در تپه سفالین پیشوا»، *مجله مطالعات باستان‌شناسی، سال اول، شماره دوم، ۱۳۸۸.*

- ضرابی (سهیل کاشانی)، عبدالرحیم؛ «مرآة قاسان یا تاریخ کاشان»، *فرهنگ ایران زمین، شماره سوم، ۱۳۳۴.*

- قاسمی، مریم؛ فاطمه؛ «جایگاه زنان در دوره عیلام». *مجله رشد آموزش تاریخ، شماره ۲۳، ۱۳۸۵.*

#### پایان‌نامه

- باغبان کوچک، غلامعلی؛ «مقایسه و تحلیل باستان‌شناسی مذهب و معماری مذهبی تمدن ایلام با تمدن بین‌النهرین»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس تهران، ۱۳۷۵.*

- جوزی، زهره؛ «مذهب ایلام با نگرشی بر مهرهای استوانه‌ای»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس تهران، ۱۳۷۱.*

میتوانستند حتی یکی از شهرهای زیرمجموعه ایلام نیز در این دوره‌ها باشند؛ همچون دیلمون که بنظر میرسد امیران آنجا ریشه‌یی از فلات ایران داشته‌اند. در خصوص مکان جای نامهای ایلامی، نظرات مختلفی وجود دارد. اما با توجه به مطالعات انجام شده در این پژوهش در خصوص این جای نامها میتوان حدود لیان و میشمروه را در استان امروزی بوشهر مکان‌یابی نمود و دیلمون را جایی در حدود بحرین دانست. مگن جایی در حدود هرمزگان تا عمان میتواند واقع شده باشد. بشیمة احتمالاً در حدود شمال غرب بوشهر، منطقه‌یی بین خوزستان و بوشهر و در همسایگی خلیج فارس بوده و ملوها را باید در حدود بلوچستان مکان‌یابی نمود. جای نامهایی مانند بشیمة، لیان و میشمروه بطور قطع در تمام ادوار ایلام قدیم و میانه، بخشی از سرزمین ایلام بوده‌اند. اما در خصوص جای نامهای دیگر میتوان گفت مناطق پیرامونی مراکز ایلامی بوده‌اند که گاهی جزیی از این سرزمین میتوانستند باشند.

#### منابع فارسی

##### کتاب

- ابراهیمی، مهرگان و دیگران؛ *فرهنگ نامه حیات وحش ایران، تهران: نشر طلایی، ۱۳۸۹.*

- اقتداری، احمد؛ *خلیج فارس، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۴۵.*

- امیرابراهیمی، عبدالرضا؛ *خلیج فارس، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۷.*

- پاتس، دنیل تی؛ *باستان‌شناسی ایلام، ترجمه زهرا باستی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۸.*

- پزار، موریس؛ *مأموریت در بندر بوشهر: گزارش حفاریها و مطالعات باستان‌شناسی، ترجمه ضیاء مصلح، بوشهر: نشر شروع، ۱۳۸۴.*

- رامشینی، الهه؛ *دانستنیهای حیوانات، تهران: شهرزاد، ۱۳۹۲.*

- سیاه‌پوش، محمدتقی؛ *پیرامون آب و هوای باستانی فلات ایران، تهران: ابن سینا، ۱۳۵۲.*

- صراف، محمدرحیم؛ *مذهب قوم ایلام (۲۶۰۰-۵۰۰ سال پیش)، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۷.*

- علیزاده، عباس؛ *شکل‌گیری حکومت عشایری و کوهستانی عیلام باستان، شهرکرد: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۸۷.*

From Anshan to Dilmun and Magan: the Spatial and Temporal Distribution of Kaftari and Kaftari-related ceramic vessels, *Iran*, 43(1), 49-86.

- Porada, E., *Art of Ancient Iran*, Greystone Press, 1965.

- Potts, D.T., "Rethinking Some Aspects of Trade in the Arabian Gulf", *World Archaeology*, vol. 24, No. 3, Ancient Trade, New Perspective, pp.423-440, 1993.

- \_\_\_\_\_, *The Archaeology of Elam: Formation and Transformation of an Ancient Iranian state*, Cambridge University Press, 1999.

- \_\_\_\_\_, "Persian gulf i. in Antiquity" [www.iranicaonline.org](http://www.iranicaonline.org), 2005.

- \_\_\_\_\_, "Elamites and Kassites In The Persian Gulf", *Journal of Near Eastern Studies*, pp. 111-120, 2006.

- \_\_\_\_\_, "The Archaeology and Early History of the Persian Gulf", *The Persian Gulf in History*, pp. 27-57, 2009.

- \_\_\_\_\_, "Elamite Temple Building", *Essays on Temple Building in the Ancient Near East and Hebrew Bible*, pp. 49-71, 2010.

- Roach, K. J., *The Elamite Cylinder Seal Corpus, C. 3500-1000 BC*, University of Sydney, Dept. of Archaeology, 2008.

- Sendy, El.Kh., *The Dilmun type seals in the National Museum of Bahrain*, Bahrain, 1994.

- Stopler, M.W., On the Dynasty of Simaski and the Early Sikkalmah, *Zeitschrift fur Assuriologie*, pp. 42-67, 1982.

- Velde, C., "Wadi Suq and Late Bronze Age in the Oman Peninsula", in D.T. Potts, H. Al. Naboodah & P. Hellyer, eds., *Archaeology of the United Arab Emirates*, London, pp. 102-13, 2003.

- Whittingham, H. and King, C. T., *Reed's Tables of Distances between Ports and Places in all Parts of the World*, Sunderland, England, p. 85, 1920.

- Zadok, R., *The Ethno-linguistic Character of Northwestern Iran and Kurdistan in the Neo-Assyrian Period*, Jerusalem, pp. 70 ff, 2002.

- رفیعی علوی، بابک، «سنجش میزان گسترش حوزه ایلام کهن ۱۶۰۰-۱۹۰۰ پیش از میلاد»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.

#### منابع لاتین

- Arfaee, A., *The Geographical background of the Perspolis Tablets*, University of Chicago, Dissertation, Chicago, 2008.

- Barton, George A., "*The Royal Inscriptions of Sumer and Akkad*", New Haven: Yale Univ. Press, 1929.

- Cleuziou, S., "Oman Peninsula in the early 2nd Millennium b.c.", in *South Asian Archaeology*, ed. H. Härtel, Berlin, Germany: Dietrich Reimer, pp. 279-93, 1981.

- Carter, E., "Notes on Archaeology and the Social and Economy History of Susiana", *Paleorient*, 11(2): 43-48, 1985.

- Eilers, W., *Geographische Namengebung in und um Iran*, Munich, 1982.

- Hansman, J., "A. Periplus" of Magan and Melua", *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, University of London, 554-587, 1973.

- Hussein, A.M., Hamza, H.A., Thaher, A.K., Kadhum, S.J., Hashem, M., Taha, H.M., ... & Studevent-Hickman, B., *Tell Abu Sheeja/Ancient Pašime: Report on the First Season of Excavations Akkadica*, 131(1), 47-103, 2007.

- Huraeka, B., "Dilmun in den vorsargonischen Wirtschaftstexten aus Uruk und Lagae", in D. T. Potts, ed., *Dilmun: New Studies in the Archaeology and Early History of Bahrain*, Berlin, pp. 83-85, 1983.

- Kroll, S., & Leemans, W.F., *Op zoek naar de koperindustrie van Makan*, Phoenix, 30, pp. 10-25, 1984.

- Lambeck, K., "Shoreline Reconstructions for the Persian Gulf since the Last Glacial Maximum", *Earth and Planetary Science Letters*, 142, pp. 43-57, 1996.

- Leemans, W.F., *Foreign Trade in the Old Babylonian Period as Revealed by Texts from Southern Mesopotamia*, Leiden, E.J., Brill, 1996.

- Petrie, C. A., Chaverdi, A.A., & Seyedin, M. (2005),